



راهبرد دیپلماسی و داوری در فرایند سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار-دولت در راستای معاهدات سرمایه‌گذاری



دکتر مصطفی حیدری هراتمه*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

ساختار جدید معاهدات سرمایه‌گذاری، می‌تواند به عنوان یک سیستم جایگزین حل اختلاف، نقش آفرینی نماید که به موجب آن سرمایه‌گذاران می‌توانند به صورت مستقیم، کشورهای میزبان را وادار به پاسخگویی در قبال نقض حقوق مالکیت از طریق داوری بین‌المللی نمایند و مناقشات بین سرمایه‌گذاران و دولت‌ها را از روش‌های قانونی فنی، بجای نزاع‌های سیاسی با راهبردهای دیپلماسی و داوری، مدیریت و برطرف نمایند. ازینرو تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش معاهدات سرمایه‌گذاری در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار دولت با راهبرد دیپلماسی و داوری در نظر گرفته شد. بنابراین سوال پژوهش از چستی نقش معاهدات سرمایه‌گذاری در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار-دولت با نگاه دیپلماسی و داوری دلالت دارد. فرضیه پژوهش این است که معاهدات سرمایه‌گذاری در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار-دولت با نگاه دیپلماسی و داوری تاثیرگذار بوده است. در این راستا ۱۱۰ مورد اختلاف در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد: در حالیکه دولت‌ها به صورت مکرر در مناقشات دنیای در حال توسعه مداخله می‌کند، دولت‌های قدرتمند به ندرت از تهدیدات یا تحریم‌های صریح در مناقشات سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند. این امر حاکی از یک تغییر مهم در دیپلماسی سرمایه‌گذاری از دوره‌ای است که نظام معاهدات سرمایه‌گذاری آشکار شده‌است. مداخلات دیپلماتیک تهاجمی‌تر در گذشته، اغلب در مناقشات مربوط به سلب مالکیت صورت می‌گرفته در حالیکه امروزه، ورود دیپلماسی به صورت ظریف‌تر و مرتبط با شرایط پیمانکاری و تغییرات نظارتی شکل می‌گیرد. بنابراین با راهبرد دیپلماسی و داوری در چارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری می‌توان مناقشات سرمایه‌گذار-دولت را سیاست‌زدایی نمود.

کلیدواژگان

دیپلماسی، معاهدات سرمایه‌گذار، سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذاری، داوری

* استادیار گروه اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. نویسنده مسئول / ایمیل: heidari@iaui.ac.ir

مقدمه

پایه‌گذاران و طراحان نظام معاهدات سرمایه‌گذاری و همچنین بسیاری از طرفداران فعلی ابراز داشته‌اند که چگونه معاهدات به کشورهای در حال توسعه این امکان را می‌دهند تا مناقشات سرمایه‌گذار-دولت را سیاست‌زدایی کنند؛ یعنی مناقشات تجاری را از ملاحظات گسترده‌تر سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای توسعه‌یافته حفظ کنند. در حالی که این استدلال توسط محققان اقتصادی و حقوقی به صورت گسترده‌تری پذیرفته می‌شود و صریحاً توسط کشورهای صادرکننده سرمایه تبلیغ می‌شود، هرگز مورد بررسی تجربی قرار نگرفته است. مطالعه و بررسی تحلیلی کارایی نظام معاهدات سرمایه‌گذاری، بیشتر به این موضوع توجه داشته‌اند که آیا این معاهدات در جذب سرمایه خارجی در کشورهای در حال توسعه موفق بوده و تا چه حدی موفق بوده‌اند (Yackee, 2017). با این حال در مطالعات تجربی، نقش و ظرفیت‌های مولفه‌های معاهدات از جمله پتانسیل داوری در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذاری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است در حالی که چنانچه این ظرفیت‌های بالقوه به بالفعل تبدیل شود، انگیزه سیاسی قدرتمندی برای کشورهای در حال توسعه خواهد بود تا به معاهدات دو یا چندجانبه توجه ویژه‌ای داشته و به عنوان یک راهبرد اقتصادی سیاسی در روابط و تجارت بین‌الملل اتخاذ گردد. با ظهور داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خارجی قادر به حل و فصل مناقشات مربوط به حقوق مالکیت با دولت‌های میزبان وابسته به حمایت دیپلماتیک خواهند بود (Parra, 2015).

اگرچه برخی از دولت‌ها، اغلب در طرف سرمایه‌گذاران خود دخالت می‌کنند، چنین مداخلاتی می‌تواند روابط دیپلماتیک بین کشورها را مختل نموده، و حتی در مواردی به جنگ و یا صلح منجر شود. بنابراین نظام معاهدات جدید سرمایه‌گذاری، می‌تواند به عنوان یک سیستم جایگزین حل اختلاف نقش آفرینی نماید که به موجب آن سرمایه‌گذاران، می‌توانند به صورت مستقیم کشورهای میزبان را مسئول و وادار به پاسخگویی در قبال نقض حقوق مالکیت از طریق داوری بین‌المللی نموده و مناقشات بین سرمایه‌گذاران و دولت‌ها به روش‌های قانونی فنی تبدیل می‌شود، بجای اینکه به نزاع‌های سیاسی مورد بحث دیپلمات‌ها تبدیل شود (Vandevelde, 2012). بنابراین، مداخلات دیپلماتیک، دیگر لازم نخواهد بود. این عقیده که دسترسی به داوری بین‌المللی دولت-سرمایه‌گذار، اختلافات و مناقشات سرمایه‌گذاری را سیاست‌زدایی می‌کند، یک بحث کلیدی در میان محققان و طرفداران گسترش نظام معاهدات سرمایه‌گذاری بوده و خواهد بود (Peinhardt & Allee, 2016: 205).

برخی دولت‌ها استدلال می‌کنند که یکی از اصلی‌ترین مزایای داوری بین‌المللی معاهدات سرمایه‌گذاری، حل و فصل مناقشات سرمایه‌گذاری بدون ایجاد تضاد دولت-دولت است، اما این استدلال بیشتر یک مزیت اصلی برای کشورهای توسعه‌یافته با قدرت کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع اگر وعده سیاست‌زدایی تحقق یابد، انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری ممکن است برای کشورهای در حال توسعه محتاطانه باشد (Yackee, 2017)، در صورتی که آنها اساساً

جریان‌های سرمایه‌گذاری را تغییر نمی‌دهند، زیرا معاهدات ممکن است بعنوان یک محدودیت موثر در مورد سوء استفاده از حمایت دیپلماتیک با صادرکنندگان قدرتمند سرمایه‌ای عمل کنند. همانطور که مطالعات زیادی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه، انتظار داشته‌اند، معاهدات سرمایه‌گذاری، «یک نقش مهمی برای انجام سیاست‌زدایی مناقشات مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی است» (Echandi, 2016: 246). یکی از دلایل تحلیل تجربی مداخلات دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری این است که تا به حال توجه آکادمیک کمی به این حوزه شده است، زیرا فشار سیاسی در حل و فصل مناقشات غیررسمی به ندرت مشاهده می‌شود. دولت‌های داخلی، دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاران خارجی، همه می‌توانند مشوق‌هایی داشته باشند تا مذاکرات را در مورد مناقشات سرمایه‌گذاری محرمانه نگه دارند (USTR, 2015).

بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش معاهدات در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار-دولت با نگاه دیپلماسی در نظر گرفته شد و در راستای مبانی نظری و ادبیات موضوع، فرضیه‌ایی به این شرح که معاهدات سرمایه‌گذاری بر سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار، نقش زیادی دارد، تبیین گردید به عبارت دیگر فرضیه سیاست‌زدایی فرض می‌کند که دولت‌های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند. در ادامه فرایند تحقیق، ابتدا چارچوب نظری ارائه می‌شود. سپس روش‌شناسی تحقیق و تجزیه و تحلیل مدل‌های تحقیق توصیف می‌شود و در نهایت نتایج و بحث‌های متناظر ارائه می‌شوند.

۱- پیشینه تحقیق

آلتر و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند تاثیرات سیاست‌زدایی از اهمیت ویژه‌ای برای دولت‌های ضعیف‌تر برخوردار هستند و انتظار می‌رود که به شدت قوی باشند، زیرا نظام‌های قانونی اجازه دسترسی مستقیم عوامل خصوصی را به پرونده‌های ادعا شده در مقابل دولت‌های مستقل می‌دهند. هنگام بررسی پرونده‌های بین‌المللی، دولت‌ها باید هزینه‌های سیاست خارجی پیگیری یک اقدام دیپلماتیک غیردوستانه را بسنجند، بدین معنی که ملاحظات سیاسی ادامه می‌یابد تا مناقشات داخلی دولت را شکل (Alter, 2003: 799-800; Alvarez, 2002: 156-157; Davis & Shirato, 2007: 284; Davis, 2012: 11-15)

سیکس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند عوامل خصوصی با ملاحظات دیپلماتیکی محدود نمی‌شوند، و بنابراین حل و فصل حقوقی مناقشات با دسترسی خصوصی باید از روابط سیاسی جداسازی شود (Sykes, 2005, Levy & Srinivasan, 1996).

آلوارز (۲۰۰۹) خاطر نشان می‌کند که «امروزه، سرمایه‌گذاران خارجی ایالات متحده به احتمال زیاد توسط معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری حمایت می‌شوند و توسط تهدیدات غیرقانونی حمایت نمی‌شوند، یا حتی توسط تهدیدات ایالات متحده برای اعمال تحریم‌های اقتصادی

¹. United States Trade Representative

یک‌جانبه در مقابل یک دولت در حال مصادره حمایت نمی‌شوند». لاونفلد به صورت ماهرانه، اجماع بین دانشمندان حقوقی را خلاصه می‌کند: «ماهیت معاهدات سرمایه‌گذاری این است که مجادلات بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های میزبان از روابط دیپلماتیک و سیاسی بین دولت‌ها مجزا می‌شود» (Quoted in Paparinskis, 2010).

مورر و واندولد (۲۰۱۳) در مطالعه خود نشان دادند که فرضیه سیاست‌زدایی فرض می‌کند که دولت‌های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند (Maurer and Vandevelde, 1993).

کلینتون (۲۰۱۱) اعتقاد داشت، نقش اصلی سیاست تجاری دولت، یک انگیزه سریع برای مبارزه برای منافع سرمایه‌گذاران آمریکا درگیر در مناقشات می‌دهد، مستقل از فشار خصوصی که برای انجام این کار وارد می‌کنند. همانطور که توسط وزیر امور خارجه وقت اشاره شد، «زمانی که با کسب و کارهای آمریکایی برخورد منصفانه‌ای صورت نمی‌گیرد، این موضوع فقط یک مسئله اقتصادی نیست. این موضوع یک مسئله دیپلماتیک است و ما آن را در بالاترین سطح مطرح می‌کنیم» (Clinton, 2011).

گرتز (۲۰۱۸) و گری و پوتر (۲۰۱۷) در تحقیقات خود پیشنهاد می‌کنند که دیپلماسی آمریکایی در واقع به حل و فصل مناقشات سرمایه‌گذاری و تجاری کمک می‌کنند و همچنین نشان می‌دهند که این مداخلات صرفاً گفتگوی بی‌ارزش نیستند. یک نمونه از بزرگترین قرارداد تجاری ایالات متحده با دولت تاجیکستان، موضوع اختلاف در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بود. مقامات آمریکایی صریحاً دولت تاجیکستان را تهدید نکردند، اما به صورت واضح و به صورت مکرر به مقامات عالی رتبه تاجیکستان گفتند- از جمله رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه- که ایالات متحده با حل مناقشات، منفعی را دنبال می‌کند. تاجیکستان از اینکه اختلاف در روابط دو جانبه تحریک‌کننده بود، ابراز نارضایتی کرد؛ و مشاور رئیس‌جمهور تاجیکستان به سفیر ایالات متحده گفت «که این اختلاف متأسفانه یک مورد غیرضروری در روابط دو جانبه بود، و یک اختلاف اقتصادی-زیست‌محیطی» نباید سیاسی شود. این نمونه‌ایست که چگونه سطوح معاصر فشار دیپلماتیک ایالات متحده می‌تواند شامل هزینه‌های سیاسی قابل توجه برای دولت‌های کشورهای در حال توسعه باشد.

۲- چارچوب نظری

زمانی که مناقشات به داوری می‌روند، سیاسی‌سازی می‌تواند به هزینه‌های سیاسی تحمیل شده توسط مدعیان یا پاسخ‌دهندگان در حل و فصل مناقشات سرمایه‌گذاری، اشاره کند. درحالی‌که چنانچه مناقشات به داوری بین‌المللی ارجاع نشود، تهدیدات عمومی برای تعقیب قانونی دولت میزبان و بحث‌های مقابله‌ای بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌ها به شدت سیاسی می‌شود (Post, 2014: 6).

علاوه بر این، ادبیات حقوقی در مورد نظام معاهدات سرمایه‌گذاری، به وضوح «سیاسی‌سازی»

را به عنوان حل اختلاف تعریف کرده است، از طریق الف) مذاکرات دولت - سرمایه‌گذار؛ ب) دادگاه‌های محلی متعصب علیه بیگانگان؛ ج) حل و فصل مناقشات رسمی بین دولت‌ها؛ و د) مذاکرات غیررسمی بین دولت‌ها (Bonnitcha, Poulsen & Waibel, 2017).

حذف عنصر سیاسی‌سازی، توجیه اصلی برای ایجاد نظام مدرن معاهدات سرمایه‌گذاری بود. در طول دو قرن اخیر مناقشات بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های کشورهای در حال توسعه به صورت معمول، رنگ و بوی سیاسی پیدا کرد به این صورت که چنانچه دارایی‌های آنها مصادره شود یا با موارد دیگری مواجه شود، شرکت‌های قدرتمند و بانفوذ، دولت‌های داخلی خودشان را لابی می‌کنند تا دولت‌های میزبان را به پرداخت غرامت مناسب وادار کنند (Gertz, 2018).

اگرچه دولت‌های داخلی اغلب تمایلی به مشارکت آرام در مناقشات اقتصادی ندارند، مخصوصاً زمانی که کار در حال انجام آنها با اهداف سیاسی دیگر دولت در تضاد باشد، برای پیشبرد منافع سرمایه‌گذاران به صورت دیپلماتیک مداخله می‌کنند. طراحان و معماران نظام معاهدات سرمایه‌گذاری اظهار داشتند که بهترین روش برای سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذاری این است که برای سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را فراهم سازند تا به صورت مستقیم ادعاهای بین‌المللی را در مقابل دولت میزبان مطرح کنند؛ بدون اینکه دولت داخلی آنها را درگیر کنند. در این جا یک دادگاه خصوصی این صلاحیت را دارد تا در مورد مناقشات و جبران خسارت تصمیم‌گیری کند. این تصمیمات بدون فرصت‌های واقعی برای تجدید نظر، نهایی خواهند شد و در صورتی که دولت‌ها موافقت نکنند، سرمایه‌گذاران مجاز هستند تا دارایی‌های تجاری آنها را در سراسر جهان مصادره کنند. و زمانی که محل دادرسی اصلی برای مناقشات، بخشی از گروه بانک جهانی باشد - مرکز بین‌المللی حل مناقشات سرمایه‌گذاری^۱ (ICSID) - عدم رعایت امانت نیز می‌تواند باعث تحریم‌های اقتصادی توسط بانک‌ها و اعضای آن شود (Maurer, 2013: 8).

رضایت داوری بین‌المللی دولت-سرمایه‌گذار می‌تواند مشروط به قوانین داخلی یا قوانین قراردادهای باشد، اما یک ابزار بسیار قدرتمند از طریق معاهدات خواهد بود، که در آن دولت‌ها یک موضع‌گیری ارائه می‌دهند، تا مناقشات را با طبقه گسترده‌ای از سرمایه‌گذاران خارجی داوری کنند (برخلاف قراردادهای خاص سرمایه‌گذار) بدون اینکه توانایی این را داشته باشند تا به صورت یک جانبه از دعوت برای داوری بین‌المللی صرف نظر کنند (برخلاف قوانین داخلی). تضمین دسترسی خصوصی به داوری دولت - سرمایه‌گذار در معاهدات سرمایه‌گذاری، یک سیستم حقوقی بسیار قدرتمند را ایجاد کرده و ظرفیتی برای جلوگیری از تبدیل حل مناقشات سرمایه‌گذاری به اختلاف‌های بین دولتی دارد (Post, 2014: 6). در واقع، پیش‌نویس مستندات کنوانسیون مرکز بین‌المللی حل مناقشات سرمایه‌گذاری، مرکز بین‌المللی حل مناقشات سرمایه‌گذاری مطرح می‌کند که یکی از اهداف اصلی سیستم مرکز بین‌المللی حل مناقشات سرمایه‌گذاری این است که «مناقشات را از قلمرو دیپلماسی رفع کند و آنها را به قلمرو قانون بازگرداند». داوری معاهدات

^۱. International Centre for Settlement of Investment Disputes

سرمایه‌گذاری تضمین خواهد کرد که حل اختلاف « به صورت کامل از رابطه سیاسی بین دولت سرمایه‌گذار و دولت میزبان مجزا است» (Vandevelde, 2012) در دنیای به شدت در حال تعامل که مستعد تنش‌های مکرر بین‌المللی است، کشورهای در حال توسعه قدرت اقتصادی، سیاسی، و/یا نظامی محدودتری برای دفاع از منافع خود دارند (Parra, 2015).

بنابراین، بهترین و بیشترین منافع کشورهای در حال توسعه تقویت توسعه و اجرای موثر نقش قانون در امور بین‌المللی از جمله روابط سرمایه‌گذاری است. محققان حقوق بین‌الملل نیز معتقدند که سیاست‌زدایی مهمترین پیشرفت نظام معاهدات سرمایه‌گذاری است. بعنوان مثال، پولس (Poulsen, 2018) مطرح می‌کند که «دست‌آورد اصلی» نظام معاهدات سرمایه‌گذاری ارتقاء جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیست، بلکه جداسازی ادعاهای دولت - سرمایه‌گذار از سیاست‌های «زیاده خواهی‌های حاکمیت به حاکمیت» است. همچنین، اسچوبیل ادعا می‌کند که «آنچه مشخص است این است که داوری دولت - سرمایه‌گذار اثبات شده است تا یک جایگزین مهم و موفق برای دیپلماسی گذشته باشد» (Schwebel, 2016: 6). در همین راستا، آلوارز خاطر نشان می‌کند که «امروزه، سرمایه‌گذاران خارجی به احتمال زیاد توسط معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری حمایت می‌شوند و توسط تهدیدات غیرقانونی حمایت نمی‌شوند، یا حتی توسط تهدیدات کشورهای قدرتمند برای اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه در مقابل یک دولت در حال مصادره حمایت نمی‌شوند» (Alvarez, 2009: 822).

ازینرو ماهیت معاهدات سرمایه‌گذاری این است که مجادلات بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌ها از روابط دیپلماتیک و سیاسی بین دولت‌ها مجزا می‌شود (Paparinskis, 2010). فرضیه سیاست‌زدایی فرض می‌کند که دولت‌های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند (Maurer, 2013: 8). در حالی که دولت‌های کشور خودی ترجیح می‌دهند تا از مناقشات فردی دور بمانند، این شک وجود دارد که حداقل در دهه‌های اخیر این موضوع به جای اینکه قانون باشد، یک استثناء است.

بسیاری از دولت‌ها خدمات دیپلماتیک خود را اصلاح کردند تا اهمیت بیشتری به اهداف تجاری بدهند، و گروه‌های خارجی دیپلماتیک نقش اصلی در توسعه و حفظ فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های کشور وطن ایفا می‌کنند. نهادهای دولتی در برخی کشورها به صورت آگاهانه و استراتژیک به سیاست تجاری روی آورده‌اند. و گزارش دادند که: زمانی که شرکت‌ها علاقه‌مند به کمک هستند، زمانی که آنها مشکل دارند- و صرف نظر از اینکه آیا قراردادهای سرمایه‌گذاری دوجانبه موثر است یا خیر- از طریق سفارتخانه‌ها کمک کنسولی ارائه خواهد شد. با اطمینان می‌توان گفت که حمایت از منافع سرمایه‌گذاران در خارج از کشور، یکی از نگرانی‌های اصلی بخش‌های اقتصادی و تجاری سفارتخانه‌ها است.

نقش اصلی سیاست تجاری به دولت یک انگیزه جدی و سریع جهت مبارزه برای منافع

سرمایه‌گذاران درگیر در مناقشات می‌دهد، مستقل از فشار خصوصی که برای انجام این کار وارد می‌کنند. در این ارتباط نهادهای دولتی معتقدند؛ زمانی که با کسب و کارهای افراد برخورد منصفانه‌ای صورت نمی‌گیرد، این موضوع صرفاً یک مسئله اقتصادی نبوده و می‌تواند یک مسئله دیپلماتیک باشد (Reisman, 2012).

به طور کلی، به ندرت سرمایه‌گذاران، داوری بین‌المللی را به عنوان موثرترین روش برای مقابله با ریسک سیاسی در نظر می‌گیرند (MIGA, 2013)، و حداقل تنها تعداد کمی از بزرگترین شرکت‌های جهان، دانش قابل توجهی در مورد حقوق طبق معاهدات سرمایه‌گذاری قابل اجرا دارند. به همین دلیل، است که مقامات دولتی و مدیران اجرایی بخش خصوصی این امر را تایید می‌کنند که شرکت‌هایی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، اغلب درباره دولت برای کمک تجدیدنظر می‌کنند، و اینکه چنین تجدیدنظرهایی اغلب به صورت مطلوب پاسخ داده نمی‌شود، حتی زمانی که شرکت‌ها، این توانایی را دارند تا ادعاهای معاهدات مستقل را ثبت کنند.

مورر نشان داد که سیستم داوری معاهدات سرمایه‌گذاری دولت‌ها را از فشار سرمایه‌گذار برای مداخله در مناقشات مجزا می‌کند، و این امکان را فراهم می‌کند که « با ظرفیت از انواع مناقشات مداوم خارج شود» که مستلزم آن حمایت دیپلماتیک است. داوری معاهدات سرمایه‌گذاری تضمین خواهد کرد که حل اختلاف به صورت کامل از رابطه سیاسی بین دولت سرمایه‌گذار و دولت میزبان مجزا گردد (Maurer, 2013: 8). نهایتاً مساله تحقیق در قالب سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه معاهدات سرمایه‌گذاری چگونه مناقشات سرمایه‌گذاری را از طریق راهبردهای دیپلماسی و داوری، سیاست‌زدایی می‌کند؟

۲- روش‌شناسی

این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی کمی است. روش‌شناسی مورد استفاده در این تحقیق از نوع پس‌رویدادی بوده و از اطلاعات گذشته استفاده شده است. با استفاده از داده‌های ۱۱۰ مورد اختلاف در یک دوره پنج ساله ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ یک مدل لوجیت تبیین و با برآورد آن اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها گردید. یکی از دلایل تحلیل تجربی مداخلات دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری این است که تا به حال توجه آکادمیک کمی به کمبود داده‌ها شده است، زیرا فشار سیاسی در حل و فصل مناقشات غیررسمی به ندرت مشاهده می‌شود. نهادهای دولتی گاهی دستورالعمل‌هایی را در مورد این موضوع ایجاد می‌کند که چگونه و چه زمانی در خارج از کشور ممکن است به شرکت‌ها و افراد درگیر در مناقشات سرمایه‌گذاری کمک کنند، اما این سیاست‌ها مبهم هستند و ارزیابی آنها دشوار است که چگونه دیپلماسی از نزدیک چنین دستورالعمل‌های را دنبال می‌کند.

موضوع دیگر این است که ممکن است داده‌های نمونه با هدف تغییر سیاست خاص یا ممانعت از یک عامل خاص که امکان جهت‌گیری نمونه را فراهم می‌کند، آشکار گردد. با این حال، از آنجا که تمرکز بر روی سیاست‌های نسبتاً کم تجارت خارجی در مناقشات سرمایه‌گذاری است.

برای هر یک از اختلاف مشخص شده، میزان مداخله دیپلماتیک دولت‌ها و نهادهای مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد که طیف گسترده‌ای از اقدامات دیپلماتیک را آشکار می‌کنند که برای پیشبرد منافع سرمایه‌گذاری شامل گزارش به مقامات دولتی، نوشتن نامه‌های رسمی شکایت یا اعتراض، تشکیل جلسات با نمایندگان سرمایه‌گذار و مقامات کشور میزبان، تنظیم کنندگان لابی و مقامات سیاسی در نظر گرفته می‌شوند، و به صراحت حل اختلاف را با مباحث دیگری مانند کمک و منافع تجاری مرتبط می‌کنند. از این رو، در حالی که مجازات‌ها صریح، نادر و اندک هستند، مداخلات دیپلماتیک سیاسی شده بسیار رایج هستند که در نسبت بالایی از کل مناقشات، مناقشات مورد بحث با رؤسای دولت‌ها هستند یا در طول یک ملاقات رسمی دیپلماتیک مطرح می‌شوند. از نظر تئوری، چنین مداخلات دیپلماتیکی صرفاً می‌تواند «گفتگوی کم ارزش» با تأثیر اندک بر انگیزه‌ها یا اقدامات کشورهای میزبان باشند. بدون شک این موارد وجود دارد و نشان دهنده این هستند که مقامات دولتی اهمیت قابل توجهی برای حل و فصل مناقشات قائل هستند و کشورهای میزبان انتظار دارند که در صورت عدم انجام این کار، هزینه‌های سیاسی داشته باشند. در نهایت با استفاده از داده‌های موارد گردآوری شده، فرضیه سیاست‌زدایی به شرح زیر مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد:

۲-۱- گام اول

فرضیه سیاست‌زدایی پیشنهاد می‌کند در صورتی که کشور میزبان یک معاهده سرمایه‌گذاری تصویب کرده باشد، دولت‌ها باید با احتمال کمتری به صورت جدی در مناقشات سرمایه‌گذاری دخالت کنند. بعنوان مرحله اولیه، مقایسه می‌شود که آیا مداخله دیپلماتیک با احتمال کمتر یا بیشتر با وجود یک معاهده تصویب شده سرمایه‌گذاری بوده یا خیر؟ نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند شامل این موضوع باشد که سهم مناقشات با تعاملات واقعی دیپلماتیک تقریباً در کشورهایی با معاهدات سرمایه‌گذاری و بدون معاهدات سرمایه‌گذاری یکسان است یا خیر؟ نتیجه این بررسی، حاکی از آن خواهد بود که معاهدات سرمایه‌گذاری با مناقشات دیپلماتیک ارتباط دادند یا خیر؟ نتایج در جدول ۱ نشان می‌دهد: سهم مناقشات با تعاملات جدی دیپلماتیک تقریباً در کشورهایی با معاهدات سرمایه‌گذاری و بدون معاهدات سرمایه‌گذاری یکسان است: ۴۷ درصد در مقابل ۴۴ درصد. این موضوع حاکی از آن است که معاهدات سرمایه‌گذاری با مناقشات دیپلماتیک بی‌ارتباط هستند.

value - P	آزمون T	SE	اشتراک با اختلاف جدی دیپلماتیک	مناقشات	
0.342	0.463	0.133	34	76	بدون معاهده سرمایه‌گذاری
		0.171	26	34	معاهده سرمایه‌گذاری

جدول (۱) اختلاف دیپلماتیک و دسترسی به داوری دولت-سرمایه‌گذار مبتنی بر معاهده

Table (1) Diplomatic engagement and access to treaty-based investor arbitration

منبع: (محاسبات نگارنده، ۱۴۰۱)؛ (Author's calculations, 2022)

۲-۲- گام دوم

برای ارزیابی دقیق‌تر، یک برآوردی از یک مدل رگرسیون پایه از محرک‌های مداخلات دیپلماتیک صورت می‌گیرد. به این صورت که با یک مدل ساده از کشور میزبان و کنترل‌های سطح - اختلاف شروع می‌شود. همانطور که ممکن است توانایی و اثربخشی دیپلماسی با اندازه بازار کشور میزبان مرتبط می‌باشد، تولید ناخالص داخلی کشور میزبان در مدل در نظر گرفته می‌شود. همچنین رشد تولید ناخالص داخلی نیز منظور می‌گردد، زیرا هم سرمایه‌گذاران و هم دولت ممکن است تمایل بیشتری به یک راه‌حل سیاسی سریع در کشورهای میزبان با رشد بالا داشته باشند. همچنین، اقدامات دیپلماتیک ممکن است بطور متوسط یا سطوح مورد انتظار ریسک سرمایه‌گذاری در یک کشور میزبان وابسته باشد. بنابراین شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) برای سید سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. این شاخص، خطرات ناشی از پایداری/بقای قرارداد، سلب مالکیت، بازپرداخت سود، و تاخیر پرداخت، را ثبت می‌کند.

۲-۳- مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک دولت

در ریاضیات و آمار، تابع لوجیت *Logit* عددی حقیقی p بین صفر و یک به صورت زیر است:

$$\text{Logit}(p) = \log\left(\frac{p}{1-p}\right) = \log(p) - \log(1-p)$$

این تابع در مدل رگرسیون لوجستیک استفاده می‌شود. تابع لوجیت برای منظورهای متفاوتی توسط محققان استفاده می‌شود. معمولاً این تابع در مدل لوجیت که در ساده‌ترین حالت به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{Logit}(p_i) = a + bx_i$$

استفاده می‌شود که در آن x_i متغیری است که وقوع یا عدم وقوع در i امین اتفاق و p_i احتمال وقوع را نشان می‌دهد.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک دولت در دو حالت به شرح زیر مورد استفاده و تخمین قرار می‌گیرد:

۳-۱- بدون وجود معاهدات سرمایه‌گذاری

در حالت اول، عامل وجود معاهدات سرمایه‌گذاری در مدل پایه در نظر گرفته نمی‌شود.

¹. International Country Risk Guide

خطای معیار	مدل 1	
0.687	0.252	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
0.898	0.311	رشد تولید ناخالص داخلی
0.292	0.254	سبد سرمایه‌گذاری
0.206	0.863***	دادگاه داخلی (محلی)
0.269	0.913***	اختلاف قرارداد
62/537	31.432	مقدار ثابت
	227/329	log likelihood
	44.391	Chi2
	202.429	AIC

متغیر وابسته: مناقشات جدی دیپلماتیک؛ $***P < 0.01$, $**P < 0.05$, $*P < 0.1$

جدول (۲) مدل لجیت اقدام دیپلماتیک

Table (2) Logit Model of Diplomatic Action

منبع: (محاسبات نگارنده، ۱۴۰۱)؛ (Author's calculations, 2022)

نتایج برآورد مدل در حالت اول نشان می‌دهد در حالی که به نظر نمی‌رسد ویژگی‌های کشور میزبان پیش‌بینی‌کننده مهمی برای مداخلات باشد اما ویژگی‌ها و اندازه سطح اختلاف، مهم خواهند بود. همچنین احتمال مداخله دولت‌ها در مناقشاتی که قبلاً به دادگاه‌های داخلی محلی کشیده شده‌است، بسیار بیشتر است. جدای از پیروی از دستورالعمل‌های رسمی، مداخلات در این موارد ممکن است برای ارسال پیام/سیگنال در مورد منافع دولت در یک سیستم قضایی خوب و بدون دخالت سیاسی طراحی شود. مناقشات قراردادی نیز بیشتر مستلزم دخالت جدی دولت است، شاید به این دلیل است که وقتی سرمایه‌گذاران داخلی هدف قرار می‌گیرند، مداخله آسان‌تر در مقایسه با مناقشات بر سر مقررات عمومی و کلی دولت توجیه می‌شود.

۳-۲- وجود معاهدات سرمایه‌گذاری

در حالت دوم، عامل وجود معاهدات سرمایه‌گذاری در مدل پایه تصریح و تبیین می‌گردد.

خطای معیار	مدل 2	
0/812	0.411	معاهدات سرمایه‌گذاری
0.762	0.372	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
0.166	0.221*	رشد تولید ناخالص داخلی
0.651	0.18	سبد سرمایه‌گذاری
0.206	0.872***	دادگاه داخلی (محلی)
0.198	0.896***	اختلاف قرارداد
18.328	27.581	مقدار ثابت
	218.432	log likelihood
	27.433	Chi2
	201.544	AIC

متغیر وابسته: مناقشات جدی دیپلماتیک؛ $P < 0.1$, $**P < 0.05$, $***P < 0.01$

جدول (۳) مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک

Table (3) Logit Model of Diplomatic Action

منبع: (محاسبات نگارنده، ۱۴۰۱)؛ (Author's calculations, 2022)

فرضیه سیاست‌زدایی نشان می‌دهد که حضور یک پیام/سیگنال همچون معاهده سرمایه‌گذاری باید تاثیر منفی معنی‌داری بر احتمال مداخله دیپلماتیک داشته باشد. اما تایید و پشتیبانی نمی‌شود. برای یک اختلاف و مناقشه "بطور متوسط" که توسط معاهده سرمایه‌گذاری پوشش داده نمی‌شود (یک مناقشه‌ای که از طریق سیستم دادگاه داخلی نبوده است، یک قرارداد را درگیر نمی‌کند، و با تمام متغیرهای دیگر، مقادیر میانگین آنها را تعیین می‌کند)، احتمال پیش‌بینی شده مداخلات دیپلماتیک جدی کمتر است از زمانی که مداخلات دیپلماتیک جدی برای یک اختلاف یا مناقشه «بطور متوسط» مشابه اما با یک معاهده سرمایه‌گذاری است. البته این تفاوت نه تنها از نظر آماری کوچک و ناچیز است، بلکه همچنین نشانه مخالفت با آن چیزی است که انتظار می‌رود. در نهایت می‌توان گفت که دستورالعمل‌های رسمی دولت‌ها نشان می‌دهند که دیپلماسی به احتمال زیاد در مناقشاتی مداخله می‌کنند که به اولویت‌های دیپلماتیک گسترده‌تر، مانند حاکمیت قانون، روند مقررات و نگرانی‌های اجرای قرارداد اشاره می‌کنند.

نتیجه‌گیری

دسترسی خصوصی به حل و فصل مناقشات بین‌المللی اغلب منجر به افزایش دعوی حقوقی علیه نهادهای حاکمیت و دولتی می‌شود. نظام معاهدات سرمایه‌گذاری یک مورد مهم در این زمینه است. بروز ادعاهای اختلافی سرمایه‌گذار منجر به هزینه‌های قابل توجهی برای کشورهای در حال توسعه شده است (چیلتون، ۱۳۹۵)؛ (Chilton, 2016). با این حال، منافع نظام معاهدات سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه وضوح کمتری دارد. ادبیات تجربی به صورت انحصاری بر یک مزیت بالقوه تحت عنوان افزایش سرمایه‌گذاری متمرکز شده است در حالی که مزیت دیگر یعنی سیاست‌زدایی نادیده گرفته می‌شود، اگرچه مهمتر نیست اما مهم است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش معاهدات سرمایه‌گذاری در سیاست‌زدایی مناقشات سرمایه‌گذار-دولت با نگاه دیپلماسی در نظر گرفته شد. در این راستا فرضیه‌ایی با این مضمون که «در صورتی که کشور اول یک معاهده سرمایه‌گذاری با کشور دیگری تصویب کرده باشد، دولت کشور دیگر باید با احتمال کمتری به صورت جدی در مناقشات/اختلافات سرمایه‌گذاری دخالت کند» تبیین و ۱۱۰ مورد اختلاف در یک دوره ده ساله ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ از معاهدات سرمایه‌گذاری مورد مناقشه با استفاده از مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این تحقیق با نگاهی ویژه به مداخلات دیپلماتیک دولت‌ها و نهادهای مربوطه، با ارائه یک آزمون تجربی، فرضیه سیاست‌زدایی را مورد بررسی قرار داده است. در مقابل با استدلال‌های مطرح شده توسط کشورهای صادرکننده سرمایه و محققان علوم مربوطه، هیچ مدرکی یافت نمی‌شود که یک معاهده سرمایه-

گذاری تفاوت مهمی در چگونگی اعمال فشار دولت کشورها برای حل مناقشات سرمایه‌گذاری ایجاد کند. این موضوع اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه دارد، زیرا آنها به طور معمول در ازای کمتر سیاسی کردن مناقشات سرمایه‌گذاری خود، تشویق می‌شوند تا به داوری معاهدات سرمایه‌گذاری ترغیب شوند. در واقع عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر و دوم وحدت و همراهی دولت‌ها در حمایت و دفاع از سرمایه‌گذاران به کارآمدی راهبرد سیاست‌زدایی کمک زیادی خواهد کرد. نتایج تحقیق تنها اولین قدم برای درک عمیق‌تر چگونگی تأثیرگذاری معاهدات سرمایه‌گذاری بر روابط دیپلماتیک بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هستند. نگاه تحقیق به دنیای غالباً پنهان دیپلماسی غیررسمی سرمایه‌گذاری نیز سوالات گسترده‌تری را درباره نقش‌های قانونی‌سازی، دیپلماسی، و قدرت شرکت‌ها مطرح می‌کند زیرا که سرمایه‌گذاران به مناقشات در دنیای در حال توسعه مواجه می‌شوند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که (۱) در حالی که دولت‌ها به صورت مکرر در مناقشات دنیای در حال توسعه مداخله می‌کنند، دولت‌های قدرتمند به ندرت از تهدیدات یا تحریم‌های صریح در مناقشات سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند. این امر حاکی از یک تغییر مهم در دیپلماسی سرمایه‌گذاری از دوره‌ای است که نظام معاهدات سرمایه‌گذاری آشکار شده‌است. همچنین، سوالاتی حداقل فرضی، پیرامون فرضیه سیاست‌زدایی مطرح می‌شود، که به موجب آن نهادینه‌سازی گسترده نظام حقوقی برای مناقشات سرمایه‌گذاری باعث تغییر کلی به سمت مداخلات دیپلماتیک کمتر اجباری و کمتر تهاجمی می‌شود. این امکان وجود دارد که داوری معاهدات سرمایه‌گذاری، تأثیر کلی سیاست‌زدایی در سطح نظام داشته باشد و تأثیرات گسترده‌ای در همه کشورها داشته باشد. این موضوع، زمینه مهمی را برای تحقیقات آینده باز می‌کند، با این وجود ارزیابی تجربی آن بسیار پیچیده و دشوار است، زیرا تعدادی از توضیحات احتمالی جایگزین وجود دارند. بعنوان مثال، هنجارهای بین‌المللی مرتبط با مداخلات دیپلماتیک برای اهداف تجاری، استفاده قانونی از زور در روابط بین‌المللی، و احترام به حاکمیت کشورهای در حال توسعه، همگی در قرن گذشته تکامل یافته‌اند، و باعث شدند که مداخلات دیپلماتیک تهاجمی کمتر قابل تحمل شوند علاوه بر این، ماهیت مناقشات سرمایه‌گذاری در دنیا تغییر کرده است. مداخلات دیپلماتیک تهاجمی تر گذشته اغلب در مناقشات مربوط به سلب مالکیت آشکار و ملی شدن بوده است، اما چنین مناقشاتی امروزه بسیار کمتر اتفاق می‌افتد و مناقشات ظریف‌تر در مورد شرایط پیمانکاری و تغییرات نظارتی جایگزین می‌شود. جدا کردن این اثرات از تأثیر قانونی‌سازی چالش برانگیز خواهد بود، اما می‌تواند بینش‌های مهمی را برای درک تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری بر کشورهای در حال توسعه ارائه دهد.

(۲) همچنین نتایج نشان می‌دهند که در دوره معاصر، دولت‌ها از نظر راهبردی؛ انتخاب می‌کنند تا چه زمانی در مناقشات مداخله کند، بجای اینکه این کار را زمانی انجام دهد که توسط فشار خصوصی مجبور شود. اگرچه این یافته‌ها مقدماتی هستند و باید در معرض آزمون‌های بعدی قرار گیرند، اما این امر حاکی از آن است که دخالت دولت داخلی در مناقشات سرمایه‌گذاری بیشتر ناشی از این موضوع است که آیا سیاسی‌سازی مناقشات با منافع استراتژیک یک کشور مطابقت

دارد یا خیر؟ بجای اینکه اندازه و نفوذ سیاسی سرمایه‌گذاران را در نظر بگیرد. در صورت درست بودن، این موضوع با تحقیقات (Vandevelde, 2009; Chilton, 2016)، سازگار است که منافع مادی محدود را از سرمایه‌گذاری‌های سیاسی شرکت پیدا می‌کند این موضوع همچنین به معنای حرکت چشمگیر از دیپلماسی سیاست‌گذاری در طول جنگ سرد است.

بنابراین عدم دخالت دولت‌ها و سیاسی‌کردن اختلافات و مناقشات قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های دو یا چندجانبه و گرایش بیشتر به سمت داوری‌های بین‌المللی و مورد توافق سرمایه‌گذاران که در قراردادها و معاهدات تصریح شده‌است، جهت حل مناقشات و مناقشات به عنوان پیشنهاد کاربردی سیاستی توصیه می‌گردد. همچنین لازم است با هدف ترغیب و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دیگر با اطمینان از معیارهای برخورد با سرمایه‌گذاران خارجی از جمله جبران سلب مالکیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی، محافظت در برابر رفتار ناعادلانه و نابرابر سرمایه‌گذاران خارجی، و محافظت در برابر رفتارهای تبعیض‌آمیز و عدم محافظت کامل و امنیت، انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری دو یا چندجانبه و منطقه‌ای بیشتری انجام و اجرایی گردد. نهایتاً اینکه فرضیه‌ی سیاست‌زدایی فرض می‌کند که دولت‌های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در مناقشات سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند. امروزه تعاملات دیپلماتیک برای حل و فصل مناقشات سرمایه‌گذار-دولت، جلوگیری از خصومت اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است و انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دو یا چندجانبه و منطقه‌ای می‌تواند در روند قانونی شدن این تعاملات نقش ایفا نماید چرا که به احتمال زیاد کشورهای قدرتمند در کشورهای در حال توسعه‌ای که فاقد معاهدات سرمایه‌گذاری هستند، مداخله نمایند. سیاست‌بازی با درک، توضیح و سوءاستفاده از چالش‌های جهانی؛ و توسعه ایده‌هایی برای تغییر در سطوح بین‌المللی، دولتی و خصوصی، که بر موضوعات مختلفی از جمله: سیاست، تاریخ، اقتصاد، جغرافیا، فلسفه، حقوق و جامعه‌شناسی تکیه می‌کند، مرتبط است. سیاست بین‌الملل در مورد ماهیت پیچیده و در هم تنیده فزاینده مشکلات محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است.

English References

- Alvarez, J. (2009). The WTO as linkage machine. *American Journal of International Law*, 96(1), 146–158.
- Bonnitcha, J., Poulsen, L., & Waibel, M. (2017). *The political economy of the investment treaty regime*. Oxford: Oxford University Press.
- Chilton, A. (2016). The political motivations of the United States' bilateral investment treaty program. *Review of International Political Economy*, 23(4), 614–642.
- Clinton, H., (2011). Remarks at the 2011 U.S. *Global Leadership Coalition (USGLC) Conference*, 12 July 2011.
- Colen, L., Persyn, D., & Guariso, A. (2016). Bilateral investment treaties and FDI: Does the

- sector matter? *World Development*, 83, 193–206.
- Echandi, R. (2016). Be careful with what you wish: Saving developing countries from development and the risk of overlooking the importance of a multilateral rule-based system on investment in the twenty-first century. In M. Bungenberg, C. Hermann, M. Krajewski, & J. Terhechte (Eds.), *European yearbook of international economic law* 2016. Springer.
- Gertz, G. (2018). Commercial diplomacy and political risk. *International Studies Quarterly* Forth.
- Geoffrey Gertz a, Srividya Jandhyala, Lauge N. Skovgaard Poulsen. (2018). Legalization, diplomacy, and development: Do investment treaties de-politicize investment disputes?. *Journal World Development* 107, 239–252
- Lee, D., & Hudson, D. (2018). The old and new significance of political economy in diplomacy. *Review of International Studies*, 30(3), 343–360.
- Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA) (2013). World investment and political risk. Washington, DC: *World Bank*.
- Maurer, N. (2013). The empire trap: The rise and fall of U.S. intervention to protect American property overseas, 1893-2013. Princeton: *Princeton University Press*.
- Paparinskis, M. (2010). The limits of depoliticisation in contemporary investor-state arbitration. *Select Proceedings of the European Society of International Law*, 3, 2–18.
- Parra, A. (2015). The convention and centre for settlement of investment disputes. *Recueil des cours*, 374.
- Peinhardt, C., & Allee, T. (2012). Failure to deliver: The investment effects of US preferential economic agreements. *The World Economy*, 35(6), 757–783.
- Peinhardt, C., & Allee, T. (2016). Political risk insurance as dispute resolution. *Journal of International Dispute Settlement*, 1, 205–224.
- Post, A. (2014). Foreign and domestic investment in Argentina: The politics of privatized infrastructure. Cambridge: *Cambridge University Press*.
- Poulsen, L. S. (2018). The expressive power of treaties: Investment treaties as focal points. *Working paper*.
- Reisman, M. (2012). Ecuador v. United States. Expert Opinion, Permanent Court of Arbitration.
- Schwebel, S. (2016). Introduction. In U. Franke, A. Magnusson, & J. Dahlquist (Eds.), *Arbitrating for peace: How arbitration made a difference* (pp. 1–6). The Netherlands: *Kluwer Law International*.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). 2015. World Investment Report 2015. Geneva: *United Nations*.

Vanderveelde, K. (2018). U.S. international investment agreements. Oxford: *Oxford University Press*.

Yackee, J. (2010). Do bilateral investment treaties promote foreign direct investment? Some hints from alternative evidence. *Virginia Journal of International Law*, 51(2), 397–442.

Yackee, J. (2017). Politicized dispute settlement in the pre-investment treaty era: A micro-historical approach. *Univ. of Wisconsin Legal Studies Research Paper* No.141.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی